

# Analyzing and explaining the development of children's thinking in philosophy education for children based on Islamic epistemology

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
*Research Article*

### Authors

Mojgan Qeisari Ramazanian  
Marjan Masoumi Fard  
Sadegh Rezaei  
Mahdi Mahmoudi

### How to cite this article

Mojgan Qeisari Ramazanian, Marjan Masoumi Fard, Sadegh Rezaei, Mahdi Mahmoudi, Analyzing and explaining the development of children's thinking in philosophy education for children based on Islamic epistemology, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(3): 129-140.

1. PhD. student of Philosophy of Education. Payam Noor University, Tehran, Iran (corresponding author)
2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran
3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran
4. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

### \* Correspondence:

Email:  
m.queisariramazanian@student.pnu.ac.ir

## ABSTRACT

The purpose of this research is to analyze and explain the teaching of philosophy for children based on Islamic epistemology on the creation of thinking and its cultivation, the power of saying no, the right choice, the degree of submission to cultural invasions, the degree of physical and intellectual mobility, the degree of demandingness among children. Is. Philosophy for children (or FABK), which has been widely noticed by educators, is one of the ways of teaching thinking to children, which helps to develop reasoning skills, self-care, and all kinds of critical and creative thinking from early childhood. It is necessary to teach children in the best possible way from the beginning of birth with useful education, while having critical and constructive thinking, to pay attention to religious and Islamic knowledge and Sharia. Therefore, it seems that teaching philosophy promotes the thinking, analysis and intelligence of the child and this in itself creates the basis for initiative, innovation and creativity in them. This matter becomes more useful when it is accompanied by Islamic knowledge. On the other hand, the discussion of thinking and emphasis on thinking has been emphasized more than anything else in the Holy Quran and Islamic sources. The goal of this program is aligned with the general system governing Islamic education and can be considered a part of the Islamic education program. Of course, the training of teachers who help children develop their thinking ability, both objectively and even intuitively, which is related to the intellect and inner wisdom of each individual, is very effective. We rule the society. In fact, the purpose of this research and its results can be of help to editors and authors of textbooks in order to improve the contents of the textbooks and increase the philosophical, analytical, critical and Islamic content.

**Keywords:** teaching philosophy for children, philosophical thinking, epistemological foundations

## واکاوی و تبیین پرورش تفکر کودک در آموزش

## فلسفه برای کودکان بر مبنای معرفت‌شناسی اسلامی

مژگان قیصری رضائیان

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مرجان معصومی فرد

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

صادق رضایی

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

مهدی محمودی

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

## چکیده

هدف این پژوهش واکاوی و تبیین آموزش فلسفه برای کودکان بر مبنای معرفت‌شناسی اسلامی بر ایجاد تفکر و پرورش آن، قدرت نه گفتن، انتخاب درست، میزان تسلیم بودن در مقابل تهاجم‌های فرهنگی، میزان تحرک جسمی و فکری، میزان مطالبه‌گری در میان کودکان است. فلسفه برای کودکان (یا فیک) که به طور وسیع مورد توجه اصحاب تعلیم و تربیت قرار گرفته، یکی از راه‌های آموزش تفکر به کودکان است که به رشد مهارت‌های استدلال، خودمراقبتی، انواع تفکر انتقادی و خلاق از اوایل کودکی، کمک می‌کند. لازم است با بهترین شیوه ممکن به کودکان از ابتدای تولد با آموزش‌های مفید به آنها ضمن داشتن تفکر انتقادی و سازنده، توجه داشتن به معرفت و شریعت دینی و اسلامی را آموخت. بنابراین، بنظر می‌رسد آموزش فلسفه باعث پرورش تفکر، تحلیل و هوش کودک می‌شود و این خود زمینه ساز ابتکار، نوآوری و خلاقیت در آنها می‌شود. این مهم زمانی مفیدتر واقع می‌گردد که همراه با شناخت و معرفت اسلامی باشد. از سوی دیگر بحث تفکر و تأکید بر اندیشه ورزی بیش از هر امری در قرآن کریم و منابع اسلامی به آن تأکید شده است. هدف این برنامه که با نظام کلی حاکم بر آموزش و پرورش اسلامی همسویی دارد و قادر است جزئی از برنامه آموزش و تربیت اسلامی به شمار آید. البته تربیت آموزگاران که به کودکان در پرورش قوه تفکر چه از لحاظ عینی و حتی از لحاظ شهودی که با عقل و تدبیر درونی هر فردی مربوط است، بسیار تأثیرگذار است. اما در مجموع نیازمند تحلیل و بررسی‌های بسیاری در زمینه بومی کردن با فرهنگ و روح دینی حاکم بر جامعه هستیم. در واقع هدف از این پژوهش و نتایج حاصل از آن می‌توان به تدوین گران و مولفان کتب درسی کمکی در جهت ارتقاء مطالب درسی

وهرچه بیشتر کردن محتوای فلسفی، تحلیلی، انتقادی و اسلامی باشد.

کلیدواژه: آموزش فلسفه برای کودکان، تفکر فلسفی، مبانی معرفت‌شناختی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

\*نویسنده مسئول: m.qeisariramazanian@student.pnu.ac.ir

## مقدمه

طرح آموزش فلسفه برای کودکان یک اقدام آموزشی است که به بهبود تفکر کودکان می‌پردازد. هرگاه از آموزش فلسفه برای کودکان صحبت شود، این معنی را دارد که کودک را حمایت و رهنمود دهیم تا به سوی حقیقت برود و این میسر نیست مگر هنگامی که او، اندیشیدن به معنای کلی و خاص آن را بیاموزد. برنامه آموزش فلسفه برای کودکان مورد توجه نظام‌های تربیتی در کشورهای مختلف قرار گرفت، عده‌ای این برنامه را به همان صورت مورد استفاده قرار دادند و گروهی نیز به دنبال پیدا کردن رابطه بین این برنامه با سنت‌های تربیتی کشور خود بودند. با آغاز این برنامه به وادی نظام‌های تربیتی، مبانی فکری و فلسفی این برنامه همسو با مبانی داستان‌های فکری که انعکاس دهنده اصول فلسفی مخصوص به این برنامه است، تأثیرات فکری ویژه را بر روی مخاطبان برنامه به جای خواهد گذاشت. مبانی آموزشی برنامه فلسفه برای کودکان از جمله مطالبی است که حاوی مفهوم و استدلال درزمینه: اندیشیدن، طبیعت، زبان، اخلاق و مهارت استدلال در زندگی است و برای کودکان ۳ تا ۱۶ سال تبیین شده است (۱). فیش‌روش آموزشی را گفتگوی آزاد فلسفی مینامد. برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از گفتگوی فلسفی ایشان به روش دیالکتیک نقادی در قالب اجتماع پژوهی بهره‌مند می‌شود.

از آنجا که مبانی این روش آموزشی بر پایه تفکر و تقویت مهارت‌های تفکر است، می‌توان گفت در دین مبین اسلام هم که سفارش بسیاری به تفکر شده است، قطعاً شباهت‌ها و سوابقی پیدا می‌شود. چنانچه آموزش فلسفه به کودکان به معنای خاص و آن نوع که به تفکر انتقادی و خلاق و ارتقاء توانایی عقلانی کودکان منجر شود، بنابراین پیشینه طولانی و همسو با فرهنگ اسلامی و دین دارد. محتوا در آموزش فلسفه برای کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معمولاً محتوای داستان‌ها در این حیطه، مبتنی بر فرهنگ یک جامعه است. در فیک از داستان‌هایی با مضامین فلسفی استفاده می‌شود که میتوان آن‌ها را به شکلی بازنویسی نمود که در اجتماع پژوهی مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین به کمک این داستان‌ها میتوان به جنبه‌های بیشتری از فلسفه دست یافت. در این مورد میتوان به قصه‌های قرآنی که بر منبع وحی متکی است و متون ادبی اسلامی - ایرانی اشاره نمود (۲).

تفکر و استدلال محض نیست، بلکه مستلزم تفکر درباره تفکر است» (۳).

لیپمن اهداف برنامه آموزش فلسفه برای کودکان را به شکل ذیل تقسیم‌بندی می‌کند: ارتقاء و توانایی تعقل، رشد خلاقیت، پیشرفت فردی و میان شخصی، پرورش و درک اصول اخلاقی، پرورش قدرت مفهوم‌یابی در تجربه. فلسفه برای کودکان، که با نام کوتاه «فبک» تدوین می‌شود، عنوان اصولی است که یکی از فلاسفه معاصر به اسم ماتیو لیپمن، آن را تدوین کرده است (همان).

در برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان، همان‌گونه که قرآن کریم فرموده: سرکار ما با کودکی دارای فطرت پاک است؛ همان‌گونه که امام علی(ع) نیز فرموده است: «دل کودک هم چون زمین خالی است که هر دانه‌ای در آن بپاشید، می‌پذیرد (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). کودک با عوامل و مواردی مانند قرآن، احادیث، نهج‌البلاغه، روایات، اشعار شاعران و نظریات دانشمندان مسلمان، داستان‌های اصیل و کهن فارسی، مدرسه و معلم... به صورت برنامه‌ریزی شده در ارتباط است که اگر از طرف والدین بر فرزند کنترل و نیز مهار شدید جهت عدم تعادل با بیشتر موارد مذکور انجام شود، یادگیری صورت گرفته تنها بر محفوظات محدود می‌شود و یادگیری انجام شده قطعاً القایی خواهد بود و به دنبال آن کودک از نتایج این برنامه که در بالا به آن اشاره شد، محروم می‌شود و مهم‌تر از آن، کودک مورد نظر، فردی با اعتقاد سست و بی‌میل به مسائل اعتقادی همچون روزه، نماز، زکات و خمس و... بار خواهد آمد و در نتیجه سعادت و شناخت حقیقی که همان قرب الهی است دست نخواهد یافت؛ اما اگر کودک به صورت منطقی، برنامه‌ریزی شده و هدفمند با موارد مذکور تعامل و ارتباط داشته باشد، به خود یادگیری دست پیدا می‌کند و یاد خواهد گرفت که چگونه درست بیندیشد، چگونه تصمیم صحیح گیرد و چگونه به درستی دست به انتخاب زند، در این صورت، این کودک قطعاً فردی معتقد و با ایمان و دارای توانایی-های بالای علمی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی است. در صورت تقویت این توانایی در کودک، او به سعادت و شناخت حقیقی که همان قرب الهی است و درک از خود و خالق خود، دست خواهد یافت. این‌گونه است که تعلیم و تربیت اسلامی مورد انتظار اسلام صورت خواهد گرفت» (۴).

کودکان از جهت نحوه‌ی تفکر متفاوت‌اند. چند هفته بعد از ولادت، آثار این تفاوت‌ها مشاهده می‌شود، گرچه کودکان چگونگی اعصاب و مغز خود را از پدر و مادر یا یکی از اجداد به ارث می‌برند و به همین جهت در مقدار هوش متفاوت هستند لیکن توارث، تنها عامل نیست بلکه اوضاع و شرایط محیط تربیت؛ به ویژه رفتار پدر و مادر و معلمان و سایر معاشین، در کیفیت پرورش و رشد تفکر او تأثیر به‌سزایی دارد. هر کودکی در هر کیفیت مزاجی‌ای که متولد شود، مقدار رشد هوش و فهم او در شرایط مختلف متفاوت خواهد بود. بنابراین با تربیت می‌توان در مقدار عقل و هوش کودک تأثیر

معرفت‌شناسی، بیان روش فکر کردن ماست. در واقع معرفت‌شناسی در تمییز درست از نادرست یا روشی جهت ارزیابی درست واقعیت به ما کمک خواهد کرد. بنابراین با یک معرفت‌شناسی غلط ما قادر نخواهیم بود درست را از غلط تمییز دهیم. عواقب و پیامدهای معرفت‌شناسی برای ما مشخص و بدیهی است. هر مقدار ما از معرفت‌شناسی درستی بهره‌مند باشیم، به همان مقدار توانسته ایم درجه‌ای از حقیقت را درک کنیم و از آن جهت ارتقای زندگی و اهداف خویش استفاده کنیم. در واقع، ضعف در معرفت‌شناسی کار ما را در منتهی کردن هر امری با مشکل روبه‌رو می‌کند. مقدمات اذعان شده این اصل را مبرهن می‌سازد که دغدغه فلسفه و معرفت‌شناسی اسلامی تا مقدار زیادی باهم همسو است، اما نوع تبیین و پیاده‌سازی آن برای کودکان در قالب دروس آموزشی و تربیتی آنها امری بسیار مهم است.

۱-۱- رابطه آموزش فلسفه با معرفت‌شناسی اسلامی  
منظور از آموزش فلسفه به کودکان، آموزش چگونگی درست اندیشیدن، به عبارت دیگر ایجاد نمودن شرایطی که کودکان و نوجوانان به این توانایی برسند که تا حد امکان خودشان برای خودشان تفکر نمایند و برای خودشان تصمیم گیرند و بهترین‌ها را گزینش و انتخاب نمایند و در یک کلام به توانایی خود یادگیری دست پیدا کنند. منظور از مبانی اسلامی؛ فرامین قرآن، نهج‌البلاغه و سخنان اندیشمندان و دانشمندان مسلمان است.

به دنبال تمایل به تغییر نگاه در تعلیم و تربیت، فلسفه برای کودکان به عنوان جنبش تربیتی نوظهور با هدف تقویت و بالابردن مهارت استدلال، داوری و قدرت تمیز در کودکان مطرح شد. «فلسفه برای کودک» موضوع نسبتاً جدیدی است و بیش از چهار دهه از طرح آن نمی‌گذرد. آموزش دادن فلسفه در مدرسه برای کودک یک عملکرد آموزشی است که به ارتقاء تفکر کودکان پرداخته و این فرایند آموزشی یک روش تامل مباحثه‌ای است که با ۲۵ قرن دیدگاه فکری مختلف همسوی داشته است. آرایه‌ای که ماهیت علم، ویژگی یک زندگی خوب و پرورش خرد را مورد مطالعه قرار می‌دهند. سقراط راه فرار از جهل و نادانی را در خودشناسی می‌دانست و سعی می‌کرد تا به دیگران در خودشناسی کمک کند. وی مسیر دانایی را در شناخت نادانی قرار داد، فلسفه به معنای تمایل به تفکر بهترین مسیر برای رشد عقلانیت است. در نیم قرن قبل درک این مهم، لیپمن را وادار به تامل در زمینه اقدامات اصلاحاتی در سیستم آموزش و پرورش کرد. او با بررسی اقدامات دیویی، ویگوتسکی، مید و ویگنشتاین کوشش کرد با ارتقاء آموزش تفکر فلسفی به دانش‌آموزان بحث تفکر انتقادی، مبنایی و منطقی را در آن‌ها ارتقاء دهد. لیپمن برآن است، اگر کنجکاوی طبیعی کودکان و تمایل آنان به دانستن در حیطه جهان را با فلسفه همسو کنیم، می‌توانیم کودکان را به متفکرانی تبدیل کنیم که بسیار نقاد و همچنین انعطاف‌پذیر و مفید باشند. همچنین وی بیان می‌دارد: «تفکر فلسفی به معنی صرف

گذاشت، گرچه همه کودکان یکسان نیستند و عوامل دیگر را نمی-توان نادیده گرفت. (۵).

بنابراین، پرورش هوش و عقل کودک را از همان آغاز زندگی باید منظور داشت و همگام با ظهور تدریجی استعدادهای خاص او شرایط و امکانات لازم را برای پرورش صحیح آن‌ها فراهم ساخت و بدین وسیله زمینه را برای رشد عقلی او آماده کرد. قرآن کریم در بیش از ۳۰۰ آیه، جامعه‌ی انسانی را به تعقل، تفکر و تدبیر فرا می‌خواند. بنابراین هدف از انجام این پژوهش آن است که روش‌های پرورش تفکر که «مجموعه تدابیر و طرُق هستند که به طور منظم و سازمان یافته، موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن، در جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب فراهم می‌آورند، را در آموزش فلسفه و معرفت‌شناسی اسلامی تبیین نماید.

#### ۱-۱-۱- معرفت‌شناسی در تربیت اسلامی

معرفت‌شناسی در تربیت اسلامی دارای دو مرتبه حقیقی و اعتباری است و می‌توان گفت انسان، قادر به شناخت هستی، درک موقعیت و توانایی خلق و کشف معرفت است. معرفت در عین ثبات، پویا است. منابع شناخت انسان شامل: حواس، خیال، تفکر، عقل، وحی، طبیعت، جامعه، تاریخ، شهود و مکاشفه است. معرفت می‌تواند با توجه به نیازهای انسان در جهت بهبود شرایط مادی و معنوی کمک فراوانی به افراد کند. با این حال کسب معرفت محدودیت زمانی و سنی ندارد. به طور کلی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان باعث اندیشه‌ورزی و توجه به مشاهده و تجربه درایشان می‌شود (۶).

در معرفت‌شناسی اسلامی به کرات آمده است، خداوند متعال سرچشمه شناخت است، زیرا واجب‌تعالی خالق حقایقی است که قرآن کریم آن‌ها را کلمات پروردگار خوانده است. نقش انسان در معرفت منحصر به مطالعه این حقایق و بهره‌برداری دینی از آن‌ها برای دستیابی به حقیقت و بهره‌مندی دنیوی از آن‌ها برای تعالی و رشد در زندگی است. قرآن کریم به نمونه‌هایی از شناخت انسان که برگرفته از واجب‌تعالی است اشاره دارد: معرفت بیان، معرفت دینی، معرفت فنی و حرفه‌ای، معرفت علمی، معرفت نوشتن، معرفت پرورش حیوانات، معرفت تحلیل رویدادها. حاصل این معرفت‌های انسانی برآمده از علم خداوند، شناخت باری و تنزیه و طاعت اوست، همچنان که در آیه ۳۲ سوره بقره آمده است:

«قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» گفتند: منزهی تو، ما نمی‌دانیم جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی).

شناخت دارای دو حوزه اصلی غیب و شهادت است. مراد از غیب، هستی فراحسی است تا زمانی که از دیده نهان است. عالم شهادت، همین جهان طبیعت مشهود است که آن را به دو حوزه: انفس و آفاق تقسیم می‌کنند، در آیه ۵۳ سوره فصلت به این دو حوزه اشاره شده است:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (ما نشانه‌های خویش (قدرت و حکمت) را در کرانه‌های جهان و در درون خودشان نشانشان می‌دهیم، تا برایشان روشن گردد که او و

آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه خود حق است). از ساختار آیه بر می‌آید که خداوند متعال به پژوهش در آنچه که به چشم و گوش نمی‌آید نخوانده است و فرد مسلمان وظیفه دارد به آنچه که دلیلی بر وجود آن در کار نیست، ایمان نیاورد. (۷)

از بررسی آیات و روایات مربوط به تفکر، مشخص می‌شود که موضوع تفکر و تعقلی که این همه بدان امر شده‌است، بسیاری از امور از جمله خود تعالیم دینی به خصوص تعالیم نظری و اعتقادی نظیر مسائل سه گانه خدا، نفس، جبر و اختیار است و فلسفه چیزی جز تفکر در احوال موجود بما هو موجود و مسائل مربوط به آن از جمله همین سه مسئله نیست. به این ترتیب، فلسفه قسمتی از تعالیم دینی را تشکیل می‌دهد این مطلب محل هیچ شکی نیست. ضمناً در متون دینی خصوصاً در احادیث تنها به بیان مسائل فلسفی امر به تفکر در آنها اکتفا نشده بلکه مکرراً درباره آنها به شیوه استدلالی بحث شده است؛ بحث‌هایی بالاتر از افق سخنان فلاسفه. طرح این مسائل به شیوه استدلالی، خود بهترین دلیل برای قابل فهم بودن آنها و بر عنایت کامل دینی و اولیاء دین نسبت به تفکر درباره آنهاست. گرچه ممکن است اسم فلسفه و برخی اصطلاحات فلسفی در متون دینی نباشد، اما تفکر فلسفی هست. چنانکه اولیاء دین فرمودند:

« حکمت را بیاموزید ولو از دست اهل شرک و نفاق» و نیز فرمودند:

« حکمت گمشده مومن است و هر جا که آن را بیابد احق به آن

است». نمونه‌ای از استدلال‌های فلسفی در متون دینی: (انبیاء: ۲۲) «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» چنانکه در آسمان و زمین غیر از واجب‌الوجود یکتا معبودی وجود داشت همانا نارسایی و فساد در آسمان و زمین ایجاد شده، بنابراین (از نظم استوار عالم) علم داریم که پادشاه ملک وجود ایزدی یکتاست و از بیان و اوهام مشرکان پاک و طاهر است).

هدف از بیان آیات مبارکه مذکور آن است که بحث حکمت اندوزی و دانش‌افزایی در میان همه افراد بسیار پیش‌تر از مطرح شدن تئوری فبک توسط حق‌تعالی بیان شده است. آیه ۱۵۱ سوره بقره این معنا را صریحاً بیان دارد: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛ (همان گونه که رسولی [برای هدایت شما] پیامبری از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را یاکیزه سازد و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد دهد). اگر معرفت و شناخت معارف و حکمت الهی امکان نداشت چگونه ممکن بود یکی از اهداف مهم بعثت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را تشکیل دهد. بنابراین اهمیت و ضرورت حکمت و معرفت آموزی در منظر خداوند آنچنان والا است که خداوند رسالت آخرین پیامبر خویش را بر آن قرار داده است و هدف از بعثت را چنین می‌فرماید: (جمعه: ۲) «هو الذي بعث

باشد، فضیلتش بیشتر است و این قوه (یعنی عقل عملی) خادم عقل نظری است و در بسیاری از امور از وی (عقل نظری) استمداد می‌جوید» (۹). با توجه به نظرات ملاصدرا درباره ضرورت عقل نظری بر عقل عملی، اولاً نفس فردی به فهم امور کلی توانا است و این قدرت را دارد که با تصور و تصدیق و ایجاد قیاس به کمک صغری و کبری به یک اصل کلی برسد. سپس در عقل عملی، انسان توانا است تنها به تمییز عمل خوب و بد بپردازد و در این زمینه که چرا یک مهم خوب و چرا بد است؟ عقل عملی لازم است تا به عقل نظری مراجعه داشته باشد. در اینجا این احتمال وجود دارد که این سوال پیش آید که چگونه امکان داشته، عقل نظری در اصول وجود خود از یک سو محتاج به عقل عملی و محتاج به اعضا و جوارح بدن بوده و از سوی دیگر در جایگاه بالاتر از عقل عملی قرار بگیرد؟ ملاصدرا در این باره می‌گوید: «عقل نظری فقط در ابتدای امر یعنی قبل از رسیدن انسان به مقام و مرتبه کمال محتاج بر بدن و عقل، عملی است نه دائماً و گاهی در همین عالم از بدن بی نیاز گشته و بدون وساطت بدن و به کار انداختن اعضا و جوارح بلکه به نیروی نفس و باطن ذات خویش، افعال و اعمالی معجزه آسا و خارق العاده از وی صادر می‌گردد. پس جوهر نفس از نظر ذات و فطرت خویش مستعد است که به وسیله عقل نظری راه کمال و استکمال را بیوید و ذات خویش را به فروغ و جلوه‌هایی از درون ذات و از ناحیه مافوق ذات مشتعل سازد» (۱۰).

در قرآن کریم اصطلاح (عقل) به کار نرفته است. در واقع به معنی اسمی در قرآن بیان نشده است و فقط به صورت فعل مانند «عقلوه»، «یقولون»، «تعقلون»، «نقل» آمده است. مشتقات فعلی عقل در قرآن واژه تعقلون ۲۴ دفعه، واژه یعقلون ۲۲ بار، واژه یعقل یک بار، بیان شده است. که در کل میتوان بیان داشت: مشتقات فعلی عقل در قرآن کریم ۴۹ بار آمده است. طباطبایی در تفسیر المیزان در باره علت به کار نرفتن اسمی واژه عقل در قرآن می‌فرماید: گویا «لفظ عقل، به معنای امروزی از اسم های مستحدث باللغه است. به همین دلیل در قرآن به شکل اسمی استعمال نشده است». به طور خلاصه باید گفت که هدف از عقل در قرآن کریم عقلی است که عبرت گیرنده، تامل کننده، تفکر کننده، تفقه کننده، یادآورنده و تذکر گیرنده و... است. نه عقل به تعبیر فلسفی آن که جوهر منوط به ذات و قوه‌ای عامل تعقل است (۱۱).

مطالب بیان شده به وضوح اهمیت تعقل و عقل را در اسلام نشان می‌دهد. بحث حسن و قبح عقلی و اصالت دادن به عقل در فلسفه و کلام شیعه و فقه اسلامی بسیار ضروری است. در واقع مباحث فقهی شیعه هم چون مبانی اشاعره تنها بر حسن و قبح شرعی حاکم نیست. این مهم بیانگر اهمیت و ضرورت عقل و حکمت‌ورزی در فقه اسلام و شیعی است.

فی الأُمین رسولاً منهم يتلو عليهم آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب و الحکمة و إن كانوا من قبل لفي ضلال مبين» (اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند). در واقع مهمترین اصلی که در صدر اسلام خداوند بر آن تاکید داشته است، بحث تعلم و علم‌آموزی است. (همان)

طبق آیات و روایات منابع شناخت و معرفت در اسلام شامل موارد ذیل است که به بررسی آن می‌پردازیم.

#### ۱-۲-۱- منابع شناخت در معرفت‌شناسی اسلامی

هر علمی دارای منابعی جهت فهم و تبیین آن است. در معرفت‌شناسی مهمترین معیار برای درک حقایق، شناخت و ایجاد آگاهی قوه عقل است که باعث شناخت یقینی می‌شود که در ادامه به آن پرداخته شده است:

#### ۱- شناخت یقینی

در فلسفه اسلامی «شناخت یقینی» بر مبنای سه عنصر: «یقین در مقابل شک و ظن»، «یقین مطابق با واقع» و «یقین ثابت و غیرقابل زوال» قابل اثبات است. همچون بوعلی سینا به رد نظریه سوفسطائیان که طرفدار نسبی‌گرایی بوده‌اند پرداخته و آن را این‌گونه تبیین می‌کند: «از کسانی که حقیقت هر عقیده و علمی را در راه رسیدن به واقعیت نمی‌پذیرند سوال می‌کنیم: انکار خود را حق می‌دانید یا باطل؟ و یا در آن شک دارید؟ اگر آن را حق یا باطل دانستند، پس علم به یقین دارند. اگر به شک خود یقین داشتند، پس یقین را پذیرفته‌اند و اگر به شک خود هم شک و هم یقین داشته باشند، بحث با آن‌ها منطقی نبوده و سودی ندارد. بنابراین باید کاری کرد که آن‌ها اعتراف کنند» (۸). صدرا معرفت یقینی را از راه علم حضوری و با تکیه بر اصالت وجود با اتحاد عالم و معلوم تبیین می‌کند. بنابراین ملاصدرا راه را بر شناخت معرفت حقیقی، یقینی و بدون زوال باز می‌گذارد و هر گونه نسبی‌گرایی در معرفت را رد می‌کند.

#### ۲- عقل

در حکمت متعالیه ارزش عقل نظری مقدم بر ارزش عقل عملی شمرده شده است. ملاصدرا در باب اهمیت عقل نظری بر عقل عملی می‌گوید: «در وجود انسان، نفس یعنی کمال اول متعلق به جسم طبیعی آلی دارای حیات بالقوه این توانایی را دارد که بر ادراک امور کلی و انجام عمل فکری بپردازد. لذا برای این نفس به اعتبار داشتن مزیت قبول و فراگیری علوم از مافوق خویش (یعنی عالم عقول) و قدرت بر تدبیر و تصرف در مادون خویش، دو قوه دیگری است به نام قوه عالمه (عقل نظری) و قوه عامله (عقل عملی)، که با قوه اول تصورات و تصدیقات را ادراک می‌کند و حق و باطل را در مورد آنچه که تفکر و درک می‌کند، تشخیص می‌دهد. از این دو قسم حکمت به خصوص قسم اخیر یعنی حکمت نظری هر اندازه زیادت‌ر



شکل ۱ - معرفت شناسی فلسفه برای کودکان

همان افرادی که سخنان را شنیده و از نیکوترین آن‌ها اطاعت کرده آنها افرادی هستند که واجب تعالی هدایتشان کرده، و آن‌ها خردمندانند (زمر / ۱۸). «بدترین جنبندها نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند» (انفال / ۸). «اگر ما می‌شنیدیم و تعقل می‌کردیم دیگر از دوزخیان نمی‌بودیم» (ملک / ۱۰).

چ) خوب حرف زدن

-ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید (احزاب / ۷۰).

د) مشورت

مشورت کردن با عقلا و استمداد از افکار و آرای آن‌ها موجب تقویت عقل می‌گردد. کسانی که در کارها با دیگران مشورت و نظرخواهی می‌کنند چنان است که گویا عقول دیگران را به استخدام خویش درآورده‌اند.

در آیهی شریفه (زمر، ۱۷) «فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه و اولئک هدبهم و اولئک هم اولولالباب».

ای پیامبر بندگان مرا که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند بشارت ده، آن‌ها هدایت یافته و خردمنداند.

همچنین از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «سزاوار انسان خردمند است که رأی خردمندان را بر رأی خویش بیفزاید و

۲-۱- روش‌های پرورش تفکر در قرآن کریم و روایات در قرآن کریم خداوند برخی از ویژگی‌های خردمندان را، بینندگان خوب، شنوندگان خوب و سخن‌گویان خوب معرفی می‌کند. پس می‌توان خوب دیدن، خوب گوش کردن و خوب حرف زدن را از جمله روش‌های پرورش تفکر دانست. آیاتی که به بیان این ویژگی‌ها می‌پردازند عبارتند از:

الف) خوب دیدن

از آن جا که داده‌های عینی و حسی قابلیت درک بیشتری را برای همه‌ی گروه‌های سنی دارند، در قرآن کریم مخاطب به استفاده‌ی بیشتر از حواس به منظور درک بهتر پدیده‌ها دعوت شده است. موارد استفاده از حواس عبارتند از: مشاهده و دیدن. «أَفَلَا یَنْظُرُونَ الی الابل کیف خُلِقَتْ (۱۷) و الی السماء کیف رُفِعَتْ (۱۸) والی الجبال کیف نُصِبَتْ (۱۹) والی الارض کیف سُطِحَتْ» (۲۰) آیا مردم در خلقت شتر نمی‌نگرند که چگونه (به انواع حکمت و منفعت برای بشر) خلق شده است؟ «۱۷» و در خلقت کاخ بلند آسمان فکر نمی‌کنند که چگونه آن را برافراشته‌اند؟ «۱۸» و کوه‌ها را نمی‌بینند که چگونه بر زمین کوبیده‌اند؟ «۱۹» و به زمین نظر نمی‌کنند که چگونه گسترده‌اند؟ «۲۰» (غاشیه / ۲۰-۱۷).

ب) خوب گوش کردن



عقلی می‌باشد و توجه به هر سه آن‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (۱۸). بنابراین توجه بیش از اندازه بر تعقل به طوری که احساسات طرد شوند، یعنی از بین بردن دنیای تخیل متریبان.

«بر اساس این اصل باید بستر و زمینه ظهور چنین موهبتی را در متریبان فراهم کرد، تا در عالم ماده و حوزه‌ی حواس پنج‌گانه محصور نمانند و بتوانند در عالم خیال سیر کنند و به آفرینش‌گری بپردازند. زیرا از نظر ملاصدرا انسان بر خلاف دیگر موجودات، قوایی دارد که می‌تواند از عالم حس و ماده گذشته و بدون آنکه بدن جسمانی خود را رها کرده باشد به عالم فوق ماده، یعنی عالم مثال و عالم عقل، قدم بگذارد. چون وی جانشین خداست و باید بر تمام جهان‌ها تسلط داشته و با آن‌ها مرتبط باشد» (۱۴).

بر اساس این ویژگی انسان قدرت اختراعات غریب و شگفت‌انگیز را دارد، که از فکر و نیروی خلاقه‌ای که در نهاد اوست، نشأت می‌گیرد. این اصل توجه انسان را به قوه خیال که سرچشمه‌ی همه این‌هاست، معطوف می‌کند. ساز و کار این خلاقیت و ایجاد اشیاء و پدیده‌های خارجی بر اساس همان تطابق درجات روحی انسان با درجات و مراتب وجودی در جهان است و به عبارت دیگر رمز خلاقیت انسان، از «خیال متصل» یا عالم مثال انسانی است. (۱۶). بسیاری از ابداعات و اختراعات، ماحصل توانایی تخیل است. مقداری از داستان‌های تخیلی در حال حاضر به حقیقت پیوسته‌اند. یکی از وجوه روش تخیلی این است که شخص خود را به جای امری دیگری قرار داده است. عوامل پرورش تخیل زیاد و گوناگون است، مانند خواندن و نوشتن داستان‌ها علمی، تخیلی یا هر نوع داستان دیگر. (۱۵)

۳-۲-۱- ایجاد روحیه پرسشگری و مطالبه‌گری در کودک یکی از شیوه‌هایی که با بکار گرفتن آن می‌توان توانایی تفکر و اندیشه کودک را پرورش داد، مواجه کردن کودک با سؤال و مسأله است. زیرا یکی از مواردی که عقل به صورت فعال‌تری عمل می‌کند، موقعی است که مسأله‌ای در برابر آن ظاهر می‌شود و انسان باید بدان پاسخ دهد، در این حالت، آدمی ناگزیر به تفکر و ارزیابی می‌شود تا به کمک آن به حل مسأله بپردازد و پاسخی جهت آن ارائه دهد.

«گذشته از روایات متواتر رسیده از معصومین (علیه السلام)، در قرآن کریم بیش از پنجاه آیه داریم که در آن‌ها سؤال کردن به صورت فعل ماضی، مضارع یا فعل امر مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله اهمیت سؤال محوری را در فرهنگ اسلام به وضوح نشان می‌دهد. این روش، که بر اساس اصول یادگیری اکتشافی استوار است، موقعیت و شرایطی را فراهم می‌آورد تا افراد به جای این که نتایج فعالیت‌های فکری دیگران را به طوری انفعالی بپذیرند، بر سر هر موضوعی، خود برای ارضای حس کنجکاوی و تقویت نیروی اکتشافی از طریق آزمایش، به پژوهش می‌پردازند و جواب مسأله را کشف می‌کنند» (۱۱).

با اندکی تأمل در آیات الهی، متوجه می‌شویم که بسیاری از مسائل آموزشی که از اهمیت خاصی برخوردار است به صورت سؤال

مطرح شده است، تا از طریق بیم و امید و توجه دادن و ایجاد روحیه پرسشگری، فهم پاسخ را در انسان بیدار کند مثلاً در برخی از آیات می‌خوانیم، آیا در زمین نمی‌گردند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها می‌زیسته‌اند چگونه بوده است؟ (روم/۳۰).

۴-۳-۱- دلایل تربیتی سطوح معرفت در تربیت فکری کودکان و نوجوانان

از مهمترین عللی که از سطوح مختلف مبانی معرفت‌شناختی در فلسفه برای کودکان و تربیت اسلامی کودکان استفاده می‌شود، ایجاد شناخت و معرفت جهان‌شناسی، هستی‌شناسی و وجودشناسی است. در واقع زمانی که کودک شناخت درست و حتی نسبی از محیط دنیای اطراف خود داشته باشد و از بودن و ماهیت خود آگاهی پیدا کند، اولین گام را برای کسب معرفت‌شناسی طی کرده است. برای رسیدن به این مهم نیازمند موارد ذیل هستیم که به تفصیل به آن اشاره می‌شود:

#### ۱- گسترش معرفت آیه‌ای به جهان هستی

بر مبنای رویکرد قرآنی، برای رسیدن به معرفت نسبت به غایت‌مندی نظام هستی، اندیشه ورزی لازم است، منبع علم شناخت با صفات واجب تعالی و دانستن از نشانه‌های قدرت، دانش و علم واجب است و به همین علت انسان‌ها به تفکر در خلقت آسمانها و زمین سفارش داده چراکه هریک از مخلوقات به صورت یک نماد، خصوصیت‌هایی از حقیقت خلقت را به آدمی نشان داده و آن‌ها به حکم آیه بودن منتظر تعقل صاحبان حکمت دانسته تا کشف معنا از آن‌ها شکل گیرد. بنابراین تفکر و تعقل وظیفه مشاهده کنندگان این نشانه‌های الهی است تا رازهای نهفته را به اشکال مختلف آشکار کنند. از نگاه قرآن کریم نه تنها آگاهی جهان‌منتهی به آگاهی حق است، بلکه دستیابی به آگاهی واقعی پدیده‌ها ضمن نگرش تجزیه‌ای علوم نیازمند نگاهی جامع برای تبیین رابطه پدیده‌ها با واجب است. در واقع، پیشرفت دیدگاه آیه‌ای به جهان در فرایند پیشرفت اندیشه‌های کودکان و نوجوانان نیاز به توجه است. بنابراین مریبان باید با ایجاد موقعیت‌های تربیتی درست در قالب فعالیت‌های یاددهی و یادگیری گوناگون در خارج از کلاس درس و بردن متریبان به طبیعت و شناخت آنان با گستردگی و شگفتی‌های جهان هستی و بیان پرسش‌هایی که احتیاج به تفکر و دقت در این پدیده‌ها است، زمینه‌های درست را ایجاد کنند تا معرفت در متریبان تقویت شود (۱۳).

۲- ایجاد معرفت از مسیر ایجاد منابع اصلی شناخت با تاکید به آیات قرآن، از آنجا که واجب زمینه اصلی رسیدن به معرفت را تفکر در خویش، تاریخ و سرگذشت ملت‌ها، کتاب الهی و ماهیت حیات دنیا و آخرت دانسته، در واقع مریبان باید بستری درست ایجاد کنند تا کودکان و نوجوانان با تاکید به توانایی خویش بتوانند به معرفتی عمیق از مسیر این منابع اصلی آگاهی نائل شوند. رسیدن به معرفت ناب ضمن کسب دانش‌های مفهومی همسو با این

بارها اشاره کرده که نشان از اهمیت تفکر در نزد قرآن و نیز پروردگار است به طوری که قرآن انسان را موجودی مختار خطاب نموده که خواهد توانست با یاری خرد و عقل خود به بالاترین مراتب کمال که همان قرب الهی می‌باشد دست پیدا نماید، به بررسی این مهم از دیدگاه قرآن می‌پردازیم:

در آموزش فلسفه و تعقل به کودک از منظر قرآن دو قضیه مورد توجه قرار خواهد گرفت: اولاً، از نگاه قرآنی، عقل جز از طریق علم پرورش نمی‌یابد. «و ما یعقلها الا العالمون» (عنکبوت آیه ۴۳). دوماً: راه علم با تبیین همراه می‌شود «کذلک یبین الله لکم اياته لعلکم تعلقون» (بقره آیه ۲۴۱).

بر این اساس به آسانی می‌توان ادعا نمود که از منظر قرآن، تفکر و تعقل با تبیین اطلاعات انجام می‌شود. تبیین اطلاعات که همان تأمل در اطلاعات به دست خواهد آمد و ایجاد سوال در برابر آموخته‌های دیروز و نیز امروز می‌باشد. لذا نظام تربیتی مبتنی بر تبیین و تحلیل اطلاعات همان اکتشافی نمودن تربیت می‌باشد.

تربیت و تعلیم اکتشافی، فهمیدن رابه جای فهماندن مبنا قرار خواهد داد و در این نوع از نظام تربیتی می‌باشد که آموزش شکل فعال و خلاق به خود خواهد گرفت و هنر معلم در آن طرح سوال‌های خوب و نیز ایجاد بستری برای فعال نمودن ذهن مخاطب و قرار دادن مربی در فضای «حیرت» و «ابهام» می‌باشد نه پاسخ دادن به همه سوال‌ها و مسئله‌ها.

این موارد همگی که زمینه‌ساز آموزش تفکر و تعقل از طریق تبیین اطلاعات هستند. در قرآن کریم، دو شیوه آموزشی «مخاطب محور» و «متن محور» جهت فراهم کردن زمینه تربیت و پرورش افرادی منتقد و متفکر، خلاق و نیز مبدع و دارای قدرت استدلال و تمیز و داوری را می‌توان استنتاج نمود. دو عنصر تعلیم تربیت اکتشافی و فهمیدن به جای فهماندن جزئیات (مخاطب محور) و عنصر ایجاد بستر مناسب برای فعال نمودن ذهن کودک از طریق سوال و قرار دادن مربی در فضای ابهام و حیرت از اجزای شیوه (متن محور) است (۱۷).

چنانکه مشاهده شد، آیات و روایات برنامه کامل و جامعی برای دانش‌آموزی و حکمت‌اندوزی در تعلیم و تربیت دارد. اما آموزش فلسفه برای کودکان و تئوری فبک که امروزه مطرح است از نواقص و مشکلاتی رنج می‌برد:

این برنامه حاوی نقاط قوت و ضعف است. تناقضات بسیاری در این برنامه (برنامه فلسفه برای کودکان) موجود است. در بررسی‌های انجام گرفته باید گفت که هدف تعلیم و تربیت از دیدگاه لیمن به عنوان مبدع این برنامه مبنای عمل بر اساس فلسفه پراگماتیسم دیویی با استفاده روش دیالکتیک سقراط (تفکر انتقادی سقراط) بوده است. کودکان در این برنامه در حیطه مسائل زندگی روزمره که از عینیت کافی برخوردار است پیرامون آن‌ها به گفتگوی فلسفی می‌پردازند. در معرض نقد این دیدگاه باید گفت که به لحاظ هدف تعلیم و تربیت در اسلام، مظاهر و ابعاد تقرب به خداوند در سه طبقه جای

پدیده‌ها، نیازمند گسترش ظرفیت‌های همسو با دانش شهودی و باطنی کودکان و نوجوانان به هدف رمزخوانی و رمزگشایی از پدیده‌های یادشده است؛ در واقع تزکیه و تهذیب نفس در کنار دیدن رویدادهای طبیعی، یادآوری اتفاقات پیشینیان و... به صورت راهکاری برای کسب مبانی مفهومی و شهودی اهمیت دارد (همان).

### ۳- گسترش مهارت‌های ادراکی

جهت تفکر در خلقت آسمانها و زمین، کتاب الهی و ماهیت حیات دنیا و آخرت و تاریخ و پیشینه ملت‌ها، لازم است که متریبان در حین روشهای تربیتی با راه‌های درست شناسایی شرایط، اصلاح و ساماندهی خویش در ارتباط با واجب، خود و دیگران آشنا شوند، بنابراین شناسایی درست این ارتباطات و نسبت‌ها محتاج آن است که متریبان مهارت‌های گوناگون ادراکی همچون بی تفاوت نیست، دقت و تفکر در شرایط، خوب دیدن، خوب شنیدن، خوب تحلیل کردن، سوال‌گری، عبرت و قدرت انتخاب‌گری درست را در خود گسترش دهند. واجب در آیه ۱۷۱ سوره بقره بیان دارد: «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً». این آیه اذعان داشته که ارزش چشم و گوش و زبان، به آن است که ابتدای تفکر است، دیگر آنکه راه مبنای پرسیدن، گوش کردن و مشاهده همراه با تفکر است: «صُمُّ بَكْمُ عَمِيَ فَهُمْ لَّا يَعْقُلُونَ». (همان)

در واقع همسو با درک محدودیت‌های ادراکی و کوشش برای رفع آنها، کمک به کودکان و نوجوانان اقدامی مناسب در جهت تربیت فکری آنان است.

### ۴- ارتقاء خودشناسی در کودکان و نوجوانان

هر چه علم و آگاهی کودکان و نوجوانان از خصوصیات، توانمندی‌ها و کاستی‌های خود بیشتر است، دسترسی آنان به زوایای بالاتری از تامل امکان‌پذیر است. در واقع، با روشهای درست، مربیان توانسته شرایط تربیتی لازم را برای خودشناسی هرچه بیشتر متریبان ایجاد کنند، که از مباحث بسیار اصلی قرآن کریم بحث «خودشناسی» است. ضرورت موضوع از این سواست که در بعضی از آیات، افراد به تامل درباره خود سفارش می‌شوند؛ همچون آیه ۲۱ سوره ذاریات «وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»؛ در وجود شما همچنین آیاتی است آیا نمی‌بینید.

با تاکید به آیات قرآنی، غایت خودشناسی، آگاهی انسان همراه با تفکر است تا بتواند به فهم گوهر وجودی خویش رسیده و با آگاهی جایگاه خویش در عالم هستی و در سایه این معرفت، قدر و ارزش خود را به صورت نشانه‌ای از قدرت الهی دانسته و پی به قدرت‌ها و محدودیت‌های خویش برده و با استفاده از گنجایش عقلانی خویش، به ارتقاء مسئولیت‌پذیری نسبت به تکالیفی که در مقابل خود، واجب و دیگران دارد، پرداخته و در این سو بتواند به برنامه‌ریزی درست برای رسیدن به حیات طیبه نائل شوند (همان).

### ۳-۱- قرآن و آموزش فلسفه به کودکان

با توجه به این که قرآن کتابی جامع و کامل است و تمامی مسائل بشریت را پوشش داده و به موضوع بسیار مهم تفکر و اندیشیدن

- ۱- پروراندن قدرت تفکر چند بعدی در کودکان که بتوانند استدلال، داور، خلاقیت‌های فکری و تفکر دقیق در خود را بیروانند.
  - ۲- ایجاد حس مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری، داشتن انعطاف و درونی کردن رفتارهای اخلاقی در کودکان
  - ۳- تربیت انسان‌هایی که بتوانند در مشکلات زندگی و در دوراهی‌ها، تصمیمات درستی بگیرند.
  - ۴- ایجاد درک و شهود در کودکان در حد سن و سال خودشان.
- این برنامه در بعد معرفت‌شناسی می‌تواند باعث بینش حاصل از تفکر و روحیه پرسشگری به کودکان و کسب مهارت‌های تفکر و مباحثه با دیگران گردد. با روش کندوکاو فلسفی و تقویت روحیه پرسشگری کودکان می‌توان به تقویت مهارت‌های روانشناختی، با بیان قصه‌های قرآنی که می‌تواند در پرورش مهارت‌های فکری و اصول تفکر فلسفیدن در حوزه‌های فردی و بین فردی و حتی جهان‌بینی کودکان نقش موثری دارد، پرداخت. البته تربیت آموزگاران که به کودکان در پرورش قوه تفکر چه از لحاظ عینی و حتی از لحاظ شهودی که با عقل و تدبیر درونی هر فردی مربوط است، بسیار تاثیرگذار است.

می‌گیرد که عبارتند از: خودشناسی و حرکت انسان به سوی کمال، خدمت به خلق و برخورد مسئولانه با جهان طبیعت. و نیز این هدف‌های زمینه ساز در چهار طبقه، یعنی تعلیم و تربیت فرد درباره مبدا آفرینش، تعلیم و تربیت فرد در مورد خویش، تعلیم و تربیت فرد که با جامعه بشری مرتبط است و تعلیم و تربیت فرد با عالم طبیعت ارتباط دارد، جای می‌گیرد که در دیدگاه تربیتی عمل‌گرای لیپمن، چنین چیزی دیده نمی‌شود. در مبانی هستی‌شناسی نیز، لیپمن از رد مطلق‌ها در زمینه هستی و پیچیدگی جهان و ابهام در کل هستی بیشتر سخن گفته است که می‌توان گفت در این دیدگاه کودک خود را در جهانی ناشناخته تصور می‌کند که باید در زندگی خویش آن را با تجربه کشف نماید و برای خروج از این وضعیت به واسطه گفت و گوی فلسفی با تکیه بر الگوی حل مسئله بر آن همه ناشناخته‌ها باید فائق آید (۱۶).

#### نتیجه‌گیری

از نظر ابداع کنندگان برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، فلسفه به معنای علاقه به خرد مهم‌ترین راه برای پرورش عقلانیت است. در تعلیم اسلامی و آموزه‌های قرآنی از تعبیر تفکر به گونه‌های مختلف نام برده و به آن توصیه شده است. در اغلب آیات قرآن به تعقل و تفکر دعوت شده و به نکوهش کسانی پرداخته که از این موهبت الهی بهره‌ای نبرده‌اند. عمده موضوعات مورد توجه در این آیات، مسائل مرتبط با هستی و زندگی انسانی است که به تقویت بینش انسان می‌پردازد. اندیشه ورزی در اسلام عبادت تلقی شده است و حتی افضل عبادات است؛ زیرا عبادت نتیجه تفکر و تأمل انسان در مسائل مربوط به مبدأ و معاد و نیز مسائل اساسی زندگی انسان است.

برنامه «فبک» کودکان را وادار به تفکر و اندیشه‌ورزی می‌کند و به آنان در تصمیم‌گیری‌های مناسب و درست یاری می‌رساند تا راه صحیح را انتخاب کنند. با این روش می‌توان شرایط نسل جدید را اصلاح کرد و به رشد و تعالی ایشان کمک نمود. این برنامه می‌تواند با اهداف و روح کلی حاکم بر تعلیم و تربیت اسلامی همراه باشد و بخشی از نظام آموزش و تربیتی آن قلمداد شود.

با توجه به موضوع نقد و بررسی مبانی معرفت‌شناسی آموزش فلسفه برای کودکان با تأکید بر فلسفه تربیتی اسلام، می‌توان گفت: چهار منبع معرفت‌شناسی: حس، عقل، وحی و شهود می‌باشد. معرفت دارای دو مرتبه حقیقی و اعتباری است؛ انسان قادر به کشف و خلق معرفت است؛ معرفت در عین ثبات، پویا است. محدودیت شناخت آدمی و توجه به واقع‌گرایی حداقلی؛ نگاه جامع به نیازهای انسان در جهت بهبود شرایط مادی و معنوی؛ باعث می‌شود که از مقوله معرفت بعنوان روش مطالعه درباره مسائل فلسفی استفاده گردد. با توجه به آنچه گفته شد برنامه فبک از بعد معرفت‌شناسی با رویکرد اسلامی دارای مزایایی است از جمله:

9. Sadr al-Din Shirazi (Mulasadra), m. (1393). The evidence of al-Rubabiyah, Hamayl Mahfil Anas. Translated by Babaei, Ali. Tehran, Molly Publications.
10. Sadruddin Shirazi (Molla Sadra), m. (1389). Sublime wisdom in four journeys. Translated by Khajawi, Mohammad. C1. Tehran, Molly Publications.
11. Tabatabaei Boroujerdi, Hossein. (1380 AH). Collection of Shia Hadiths in the Laws of the Shari'ah. Volume 14. Tehran, Matabah al-Masaha publishing house.
12. Qaidi, Yahya. (2015) Theoretical foundations of philosophy for children. Tehran, Marat Publications.
13. Keshavarz, S. and Brigtipzadeh, L. (1398). The dimensions of thinking from the perspective of the Holy Quran and its educational implications in the intellectual education of children and adolescents. Islamic Education, (14th year, Spring Summer, No. 28), 53-74.
14. Mahmoudi, Nuruddin. (1390). Creation perspective and sublime creativity in education (based on Sadra's theoretical foundations). Tehran, Kolk Zarin Publications.
15. Maroji, Mehdi. (2011). Question, a strategy in producing thinking in Islamic teachings. The growth of Islamic education, (Summer, No. 85).
16. Motahari, Morteza. (2019). Education in Islam. Tehran, Sadra Publications.
17. Yarmohamedian, M. (1397). Principles of curriculum planning: the nature of curriculum planning - philosophical, psychological and sociological foundations of the program, program evaluation, content analysis. Tehran, Yadavare Kitab Publishing House.

## References

- The Holy Quran. (1415 AH). Translated by Mohammad Mehdi Foladvand, Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
- Nahj al-Balagha. (1379). Translated by Mohammad Dashti, Qom: Mashoor.
1. Amini, Ibrahim. (2013). Islam and education. Tehran, Publications of the Association of Parents and Teachers.
  2. Beheshti, Ahmed. (2018). Islam and education of children. Tehran, International Publications.
  3. Behij, Nazem. (2009). Creative methods for today's and tomorrow's generation. Tehran, Rasa Publications.
  4. Jabal Ameli Forushani, Zahra; Yousefi, Alireza; Qaidi, Yahya; and Kashti Arai, Narges. (1394). Explaining the philosophical (epistemological) foundations of philosophy for children in Iran. Research in curriculum planning, (twelfth year, second period, number 91, serial 46, fall), 1-9.
  5. Hosseini, Jamshid. (2014). Philosophical education in transcendental wisdom. Tehran, Sadra Islamic Wisdom Foundation Institute
  6. Hakimi, Mohammad. (2015) . Al Hayah Translated by Aram, Ahmed. Volume 1. Tehran, Dalil Ma Publications.
  7. Sattari, Ali. (2013). Reviewing and criticizing the philosophy program for children from the perspective of transcendental wisdom. Thinking and the child, (third year, autumn and winter, number 2), 1-26.
  8. Soleimani Abhari, Hadi. (1387). Philosophical education of children in the Islamic education and training system. Philosophical and Theological Studies, (Vol. 10, No. 1), 218-199.

18. Fisher, R. (1998) "Teaching Thinking, Philosophical Inquiry in the Classroom", London: Castle Press.